

## دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)

یوسف خان محمدی\*

### چکیده

زندگی بشر در عصر حاضر، بیش از هر دوره دیگری، با پدیده فرهنگ نسبت دارد. جامعه ایرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیمای فرهنگی بیشتری پیدا کرده و همین مسئله، ضرورت تحقیق در امر فرهنگ و سیاستگذاری فرهنگی را برای پژوهشگران ایرانی دوچندان کرده است. واگذاری سیاستگذاری فرهنگی به دولت یا نهادهای خارج از دولت، از مسائلی است که اندیشمندان در باب آن اجماع نظر ندارند؛ برخی به دخالت حداقلی دولت در فرهنگ معتقدند و برخی نیز به دخالت حداکثری. مقاله در صدد بررسی دیدگاه امام خمینی (ره) درباره دخالت دولت اسلامی در سیاستگذاری فرهنگی است. از آنجا که در منظومه فکری امام خمینی (ره) دولت علاوه بر تأمین کالا و خدمات عمومی، نقش هدایتگرانه نیز دارد، باید به سیاستگذاری فرهنگی بپردازد. از این رو در این مقاله، دولت و سیاستگذاری فرهنگی از منظر امام خمینی (ره) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نسبت مؤلفه‌هایی همچون: خودباوری، قانونگرایی، نقش مردم، حدود دخالت دولت، کرامت انسانی و مبانی اسلام با سیاستگذاری فرهنگی از زاویه نگاه امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: دولت، سیاستگذاری، سیاستگذاری فرهنگی، امام خمینی، سیاست

\* تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۰۶/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۶/۰۸/۲۰

## مقدمه

بی‌تردید لازمه بقا و پویایی یک نظام سیاسی و اجتماعی، توجه به فرهنگ، سیاستگذاری فرهنگی و هویت فرهنگی - تاریخی به عنوان عمیق‌ترین لایه نظام اجتماعی در تحولات و رفتارهای اجتماعی است. تاریخ صد ساله اخیر ایران، شاهی بر اهمیت فرهنگ و تأثیر آن بر میزان موفقیت سیاستهای اقتصادی و سیاسی است. بیگانگی با فرهنگ و هویت خودی، حاصلی جز ناکامی و شکست برای ما در بر نداشته است. بنابراین شناخت، معرفی، ظرفیت‌سنجی و سیاستگذاری در امر فرهنگ ضروری جلوه می‌کند. سیاستگذاری فرهنگی نیاز به پژوهش و تحقیق در زیرساختهای فرهنگی اجتماعی ایرانیان دارد و باید مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های عمیق فرهنگی باشد.

در مورد دخالت دولت در سیاستگذاری فرهنگی بین اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای دخالت حداقلی و عده‌ای دیگر، دخالت حداکثری دولت را در سیاستگذاری مطرح می‌کنند. امام خمینی(ره) به عنوان یکی از تأثیرگذارترین متفکران عصر حاضر در تاریخ معاصر ایران، فرهنگ را مبنا و پایه‌ای برای مسائل سیاسی و اقتصادی می‌داند. از نظر ایشان، در مباحث مربوط به ایران، از هر کجا و هر موضوعی آغاز کنیم، به ناچار به بحث فرهنگ کشیده می‌شویم. از دیدگاه امام(ره)، گرچه دولت در سیاستگذاری‌های فرهنگی نقش مؤثری دارد، اما این نقش در تعامل با مردم صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر؛ در منظومه فکری امام، مردم در سیاستگذاری‌های فرهنگی و حوزه فرهنگ عمومی نقش فعالی ایفا می‌کنند. بنابراین، سیاستگذاری فرهنگی حاصل تعامل دولت و ملت است. چرایی و چگونگی دخالت دولت و نقش مردم در سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) دغدغه اصلی مقاله حاضر است. از آنجا که در منظومه فکری امام، دولت نه تنها موظف است به تأمین کالا و خدمات عمومی بپردازد، بلکه نقش هدایتگری را نیز برعهده دارد. سیاستگذاری فرهنگی نیز یکی از عمده‌ترین وظایف دولت تلقی می‌شود. معرفی که بر بنیاد روشهای علمی قرار می‌گیرد از اتقان و انسجام بیشتری برخوردار است. از این رو، در این مقاله تلاش می‌شود تا از میان روشهایی که در سیاستگذاری‌های فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرند همچون: انتخاب عمومی، انتخاب عقلایی یا نهادگرایی جدید، از روش نهادگرایی جدید استفاده شود.

نهادگرایی جدید تلاشی است جهت بازگشت مجدد به مفهوم دولت و نهادهای آن در سیاستگذاری عمومی. بر اساس دیدگاه نهادگرایی جدید، تمایزات موجود در زمینه واقعیت و مفهوم دولت، آشکار می‌کند که لازم است تا از طریق علوم اجتماعی به دولت به عنوان یک واقعیت تجربی متغیر، نگاهی جدید صورت پذیرد. (وحید، ۱۳۸۳، ص ۶۵)

در سیاستگذاری فرهنگی، مبانی و اهداف از جایگاه مهمی برخوردارند. از این رو، نخست مبانی و اهداف سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام بررسی شده است و در ادامه، مؤلفه‌هایی چون: خودباوری و اعتماد به نفس، قانونگرایی، نقش مردم، کرامت انسانی، مبانی اسلام، حدود دخالت دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام (ره) مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تدوین چارچوب نظری مورد نیاز جهت تحلیل نقش فرهنگ و جایگاه سیاستگذاری فرهنگی در اندیشه امام خمینی (ره)، مستلزم روشن شدن این بحث است که اساساً فرهنگ چیست؟ سیاستگذاری کدام است و نسبت این مفاهیم با سیاستگذاری عمومی و سیاستگذاری فرهنگی چیست؟ آن‌گاه می‌توان این مفاهیم را در اندیشه امام (ره) مورد پیگیری قرار داد.

### بررسی مفاهیم و چارچوب مفهومی

#### فرهنگ

در مورد تعریف مفاهیم، اجماع نظری وجود ندارد و هر متفکری با مبانی و چشم‌انداز خاص خود به اجتماع و انسان، مفاهیم علوم انسانی را تعریف و معنا می‌کند. بعضی فرهنگ را کاملاً ذهنی تعریف می‌کنند: «ما فرهنگ را به زبانی کاملاً ذهنی و بر مبنای ارزشها، نگرشها، باورها، سوگیری‌ها و فرضیات رایج در میان افراد یک جامعه تعریف می‌کنیم» (هانتینگتون و هریسون، ۱۳۸۳، ص ۳۰). بعضی دیگر، فرهنگ را «معرفت مشترک» تعریف می‌کنند (افروغ، ۱۳۷۹، ص ۱). از نظر بشیریه، فرهنگ به عنوان مجموعه سازمان‌یافته‌ای از هنجارها، ارزشها و قواعد است که مردم، کم و بیش آگاهانه یا ناآگاهانه بر اساس چنین مجموعه‌ای زندگی می‌کنند (بشیریه، ۱۳۷۹، ص ۷). «تیلور» هم فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای شامل دانشها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین،

دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره) ♦ ۷

رسوم و هر گونه توانایی و عادت دیگری که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه اکتساب شود، قلمداد می‌کند. (همان، ص ۸)

به نظر می‌رسد تعریف تیلور جامع باشد. نگارنده این تعریف را در مقاله مد نظر قرار می‌دهد.

### رابطه تعریف فرهنگ با سیاستگذاری فرهنگی

سیاستگذاری فرهنگی با تعریف و شناسایی متغیرهای اساسی آن شکل می‌گیرد. تعریف فرهنگ، دامنه و گستردگی سیاستها را مشخص و حیطه عمل مدیران را ترسیم می‌کند. تأثیر دیگری که تعریف فرهنگ بر سیاستگذاری فرهنگی دارد شناسایی متغیرها و تعیین شاخصهایی است که تمرکز برنامه‌ریزی‌ها را به صورتی شفاف و حتی‌الامکان عینی ممکن می‌سازد. تعریف فرهنگ می‌تواند اهداف کلان را که معمولاً با ابهام و کلی‌گویی آمیخته‌اند، در قالب سیاست مشخصی هدایت کند و مدیران را از خلط سیاست فرهنگی با اهداف کلان آرمانی که گاه به صورت غیر موجه، سیاست فرهنگی خوانده می‌شوند باز دارد. (اشتریان، ۱۳۸۱، ص ۳)

### سیاستگذاری

با تحلیلهای مربوط به فرایند شکل‌گیری سیاست، تمایز قایل شدن میان مطالعه سیاستگذاری از مطالعه سیاست دشوار است. هیچ‌سیاستی بدون سیاستگذاری نمی‌تواند وجود داشته باشد. بعضی‌ها در تعریف و تحلیل مفهوم سیاستگذاری به دو ویژگی سیاستگذاری تأکید می‌کنند و معتقدند اصطلاح «سیاستگذاری» نیز مانند «سیاست» دارای فروض و مفاهیم ضد و نقیض است. بر اساس تحقیقات دانشمندان علوم اجتماعی، مطالعه تجربی و نظری، دو بعد و ویژگی سیاستگذاری را برجسته می‌کنند: «چه کسی» سیاستگذاری کند (عوامل) و «چگونه» سیاستگذاری کند (فرایند). به لحاظ تاریخی، سیاستگذار را عاملی واحد و عقلایی محسوب می‌کرده‌اند؛ اما تحلیلگران متأخر، سیاست‌الگوی سازمانی (نفع عمومی) و الگوی شخصی (نفع شخصی) را نیز ارائه کرده‌اند. رویکردهای مربوط به «عامل» و «فرایند» نیز بین تبیین رویکرد اجمالی (جامع) و رویکرد تدریجی در نوسان بوده‌اند. (حداد و دمسکی، ۱۳۷۹، ص ۲۲)

با توجه به بحث‌های ارائه شده، تعریف جامع از سیاستگذاری عبارت است از: مجموعه اقدامات هدفمندی که به وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود، سیاستگذاری نامیده می‌شود. این تعریف بر آنچه انجام می‌شود تمرکز دارد؛ پس با آنچه قصد انجام دارد متفاوت است و آن را از تصمیمات متمایز می‌کند. سیاستگذاری‌های عمومی به وسیله نهادهای دولتی و مقامات رسمی در خلال فرایند سیاسی (یا سیاستها) توسعه می‌یابد. (اندرسون، ۱۳۸۵، ص ۱۲)

### سیاستگذاری عمومی

سیاستگذاری عمومی، مطالعه دولت در عمل است. سیاستگذاری عمومی، یافته‌ها و تحلیلهای رشته‌های عمده علوم اجتماعی نظیر اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و فلسفه را در قالب رهیافت چند رشته‌ای برای تدوین و اجرای بهترین تصمیمات با کمترین هزینه به کار می‌برد.

"ماکس وبر" سیاستگذاری عمومی را عقلانی کردن عملکرد دولت در عرصه عمومی می‌داند: «ما می‌توانیم به درستی قائل به این نظر باشیم که سیاستگذاری‌های عمومی جزئی از حرکت به سوی عقلانیت می‌باشند که ماکس وبر آن را به عنوان شاخص اساسی دنیای مدرن در نظر گرفته است. حرکتی که بر اساس آن تلاش می‌کند تا دنیای خارج خود را بیشتر به تسلط در آورد». (اشتریان، ۱۳۸۴، ص ۱۲)

مجموعه اندیشه‌ها و نظریه‌های ماکس وبر در زمینه دولت مدرن، مشروعیت عقلانی و قانونی و رفتار عقلایی مبتنی بر هدف که رفتار غالب شهروندان و تصمیم‌گیران در دولت مدرن است، بدون تردید بستر مناسبی را برای این رشته جدید فراهم کرده است.

### سیاستگذاری فرهنگی

سیاستگذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی استیلا دارد. به این اعتبار، منظومه‌ای سامان یافته از اهداف نهایی درازمدت و میان‌مدت قابل سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را در بر می‌گیرد.

## دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ♦ ۹

به عبارت دیگر؛ سیاستگذاری فرهنگی، نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویتهای لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی است و راهنما و دستورالعمل برای مدیران فرهنگی خواهد بود. (وحید، ۱۳۸۲، ص ۵۵ و اصول سیاست فرهنگی ج.۱، ۱۳۷۱، ص ۲)

### نهادگرایی جدید

نهادگرایی جدید تلاشی است برای بازگرداندن دولت و نهادهای آن در سیاستگذاری عمومی بر اساس دیدگاه نهادگرایی. تمایزات موجود در این زمینه، واقعیت و مفهوم دولت و لزوم نگاه به آن را به عنوان یک واقعیت تجربی متغیر، به وسیله علوم اجتماعی آشکار می‌کند. موقعیت و وضعیت دولت در جوامع مختلف، عاملی اساسی در فهم و شناخت طبیعت سیاستها و سیاستگذاریها در این سیستمهاست. کارآمدی یا عدم کارآمدی سیاستگذاریهای عمومی بدون آشنایی با ساز و کار سیستم دولت، قابل بررسی و تحلیل نیست. (وحید، ۱۳۸۲، ص ۶۵)

نهادگرایی جدید بر استقلال بیشتر نقش نهادهای سیاسی تأکید می‌ورزد. "اولسن" مدعی است که نهادهای جدید به طور نسبی جدید هستند. بنابراین پیشنهاد می‌کند که مدل‌های رفتاری تصمیم‌گیری، منابع محتمل ایده‌های نظری خواهد بود و امیدوار است نهادگرایی جدید نیز مطالعه سیاست را بدون بازگشت به سنت قدیمی نهادگرایی تاریخی - توصیفی و قانونی به نظریه سیاسی، تاریخ و حقوق نزدیک‌تر گرداند. نهادگرایی جدید نقطه تلاقی تاریخ و نظریه سازمان در مطالعه نهادهای سیاسی است. با توجه به اینکه این اجزا دارای قدمت می‌باشند، پس ترکیب آنها هر چند جدید نیست، ولی می‌تواند امری ابتکاری باشد. نهادگرایی جدید نهادها را به عنوان نقطه آغازین تحلیل خود در نظر می‌گیرد. (مارش و استوکر، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰)

### مبانی سیاستگذاری فرهنگی امام خمینی(ره)

مبانی فکری حضرت امام از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی اخذ شده که در اصول سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی منعکس می‌باشد.

- حاکم بودن بینش توحیدی بر تمامی شئون و عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی و نقش

و تأثیر بنیادین اعتقاد به اصول و فروع دین اسلام مانند وحی، نبوت، امامت، عدالت، معاد، تبری و تولی در جامعه اسلامی؛

- جاودانگی، کرامت و شرافت ذاتی انسان به عنوان خلیفه الله و امانت‌دار خداوند، صاحب اراده و اختیار، دارای قدرت تعقل و انتخاب در جریان سرنوشت و نیز نقش عقل و تجربه در استمرار حرکت تکاملی وی؛

- برخورداری انسان از فطرت الهی که ریشه و منشأ رشد و خیر و صلاح اوست؛  
- همانندی و برابری انسانها در آفرینش و عدم تمایز بین رنگها، نژادها و صنوف دیگر انسانی، جهان‌شمول بودن پیام اسلام، دعوت انسانها به همکاری و تعاون همگانی در انجام کارهای نیک و انسانی؛

- قائل شدن به وجود سرشت مادی و معنوی بشر و قابلیت رشد و شکوفایی وی در همهٔ وجوه و زمینه‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، جسمی و روحی، عقلی و عاطفی و ملازمه این وجوه با یکدیگر؛

- خیرخواهی، کمال‌جویی، آرمان‌خواهی، ظرفیت علمی نامحدود و کشش فطری انسان به سوی علم و دانایی، جمال و زیبایی، تقدس و پرستش و خیر اخلاقی؛

- زاینده‌گی و قدرت ایمان در خلق ارزشهای معنوی و فضایل اخلاقی و ایجاد روحیهٔ استقلال، حریت، عزت نفس و تحکیم مناسبات انسانی در جامعه؛

- تربیت‌پذیری آدمی و به فعلیت در آمدن استعدادها و خلاقیت‌های وی از طریق پی‌ریزی بنای جامعه‌ای موحد، عدالت‌خواه، دانش‌طلب، متکی بر جهاد و اجتهاد، متصف به اعتدال و واقع‌بینی و نیز بهره‌مند از مباحثات و مبادلات فکری نقّادی‌ها و تحقیقات علمی، عبرت‌آموزی‌ها و تجربه‌اندوزی‌های تاریخی؛

- اصالت ارزشهای معنوی و فضایل اخلاقی در جامعه اسلامی و جایگاه والای تقوا، علم و جهاد در تعیین مرتبهٔ کرامت و فضیلت انسانها؛

- تأثیر‌پذیری انسان از عوامل مثبت و منفی محیط اجتماعی و آفات و موانع فرهنگی آن و مسئولیت نظام اسلامی در سالم‌سازی محیط، تحقق قسط و عدل، تأمین حق مشارکت مردم در

همه امور با توجه به لزوم زدودن علل و عوامل زمینه‌ساز کفر و نفاق، فقر و فساد، ظلم و استبداد، سلطه و استکبار. (اصول سیاست فرهنگی ج.۱، ۱۳۷۱، ص ۲)

### حدود و وظایف دولت در سیاستگذاری فرهنگی

حدود و وظایف دولت در سیاستگذاری فرهنگی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مورد تأیید امام بوده است. اکثر متفکران فرهنگی در مورد وظایف دولت در امر سیاستگذاری فرهنگی بحث کرده‌اند؛ بعضی طرفدار دخالت حداقلی دولت در امور فرهنگی هستند؛ مثل لیبرالها و بعضی دیگر طرفدار دخالت حداکثری دولت در امور فرهنگی؛ مثل مارکسیستها. (بشیریه، ۱۳۷۹، ص ۱۲)

"پیر مولینر" وظایف دولتها را در زمینه فرهنگی چنین فهرست کرده است:

۱. تشویق آفرینش هنری، بدون کوشش برای کنترل آن؛
۲. ایجاد ابزارهای مالی و قانونی ضروری، به وجود آوردن زیرساختها و تأسیس نهادهای تخصصی برای حمایت از فعالیتهای مرتبط با فرهنگ و توسعه و بسط زندگی فرهنگی؛
۳. ایجاد امکانات برای دستیابی آزادانه به زندگی فرهنگی و تشویق به مشارکت مردم در زندگی فرهنگی. (به نقل از: افروغ، ۱۳۷۹، ص ۷۸)

همان‌طور که از گفته‌های پیر مولینر آشکار است، او معتقد به دخالت حداقلی دولت در امور فرهنگی است. به عقیده وی دولت فقط باید زمینه‌های فعالیت فرهنگی را آماده کند. اما در قانون اساسی و در اندیشه امام(ره) نقش دولت پررنگ است و در عین حال، امام(ره) به مشارکت فعالانه مردم اصرار دارند. حضرت امام(ره) در وصیت‌نامه الهی - سیاسی خود که چکیده‌ای از فعالیتهای علمی، عملی، فرهنگی و سیاسی ایشان در طول هشتاد سال است، در مورد اهمیت حکومت می‌فرمایند: «باید متذکر گردید سیاستگذاری نمی‌توان کرد مگر با تشکیل حکومت اسلامی. انسان به کمال نمی‌رسد مگر با حکومت عادل و بر مبنای حقوق و احکام اسلامی. رسیدن به کمال مطلق انسانی با تشکیل حکومت اسلامی است.» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۱۱)

در مقدمه قانون اساسی در خصوص وظایف و حدود دولت در امور فرهنگی چنین بیان



شده است: «چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است» و «الی‌الله‌المصیر» تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد». (قانون اساسی ج.۱، ۱۳۷۷، ص ۶۱)

از اصولی که می‌تواند بیانگر محدوده اختیارات و وظایف فرهنگی دولت جمهوری اسلامی باشد، اصل سوم، بندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۴ است که به گونه‌ای دیگر بیانگر حقوق به ویژه حقوق فرهنگی مردم، از یک سو و وظایف دولت از سوی دیگر است.

تأکید کلی یونسکو و کنوانسیون ۱۶۹ نسبت به وظایف دولت در امر آموزش همگانی، ارتقای آگاهی، تأمین حقوق اجتماعی و فرهنگی و ایجاد زمینه مشارکت در عرصه‌های مختلف، با وضوح کامل در این اصل قابل رؤیت است. در بندهای فوق از یک سو شاهد وظایف دولت در قبال ارتقای آگاهی عمومی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و قانونی و حقوق همه‌جانبه و عدالت‌گیری و از سوی دیگر، شاهد رفع تبعیضات ناروا و ایجاد زمینه برای عدالت توزیعی و مشارکت گسترده مردم در تمام زمینه‌ها، از جمله زمینه فرهنگی هستیم. هرچند در این اصل، بیشتر با آن دسته از وظایف دولت که دلالت ضمنی بر حقوق مردم دارد رو به رو هستیم تا صراحتاً حقوق ملت. (افروغ، ۱۳۷۹، ص ۸۰)

از آن‌جا که جمهوری اسلامی دولتی جهت‌دار، ایدئولوژیک و اسلامی است، نمی‌توان وظایف آن را به وظایف سایر دولتهای عرفی در دنیای غرب محدود کرد. به نظر می‌رسد بهترین وظیفه فرهنگی دولت همان عبارت کوتاه حضرت علی(ع): «استصلاح اهلها» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، ص ۳۲۵) باشد. دولت باید به تعلیم و تربیت دینی و اخلاقی مردم اهتمام داشته باشد؛ یعنی دولت نقش اساسی فرهنگی دارد.

این وظیفه در مرحله اول، معطوف به سیاستگذاری فرهنگی است که ممکن است در شرایطی همراه با تصدی‌گری نیز باشد؛ چون ممکن است نهادهای مدنی واسطه وارد عمل نشوند و دولت خود مجبور شود عهده‌دار این وظیفه گردد. اما بهتر است تصدی‌گری را به نهادهای واسطه واگذار کند. ولی در این صورت هم ضرورت سیاستگذاری فرهنگی دولت

## دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ♦ ۱۳

کمرنگ نمی‌شود. دولت همان‌طور که در در زمینه اقتصاد و سیاست برنامه‌ریزی می‌کند باید در زمینه فرهنگ نیز برنامه‌ریزی دقیق بکند؛ این از وظایف اجتناب‌ناپذیر دولت است. دولت باید طوری برنامه‌ریزی کند که مردم بتوانند از کالاها و خدمات فرهنگی استفاده کنند. از حضرت علی (ع) منقول است: «بهترین مردم نزد خدا رهبری است که هم خودش هدایت شده باشد و هم هدایت کند». وظیفه هدایت و اصلاح مردم به عهده دولت است. امام راحل هم حکومت اسلامی را بهترین حکومت برای تربیت فرهنگی انسانها می‌داند:

«اینکه ما می‌گوییم و شما هم اشاره به آن کردید که هیچ رژیم‌ی مثل حکومت اسلامی نمی‌تواند انسان را و ملتهای انسانی را آن طوری که باید اداره کند و تربیت [نماید]. جوانهای ما را نجات بدهید. دولت‌ها موظفند جوانهای ما را نجات بدهند. دانشگاهها موظفند این جوانها را نجات دهند». (به نقل از: فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۴)

اما نظارت بر عملکرد فرهنگی دولت، هم باید توسط مردم و نهادهای مدنی و هم توسط دولت باشد، ولی سیاستگذاری در هر شرایطی باید توسط دولت صورت بگیرد. (افروغ، ۱۳۸۱، ص ۳۵۹)

آنچه در سیاستگذاری فرهنگی بیشتر اهمیت دارد، هدفهای آن است؛ زیرا نه تنها یکی از وجوه مهم هر نوع سیاستگذاری، هدفهایی است که این سیاست برای نیل به آن طراحی می‌شود، بلکه یکی از راههای ارزیابی هر نوع سیاستگذاری نیز ارزیابی هدفهای آن است. این ارزیابی دو جنبه را در بر می‌گیرد: نخست خود هدفها و دیگری، رابطه منطقی میان سیاستها و هدفهای آن. اهداف کلی سیاستگذاری فرهنگی کشور که مستند به بیانات و رهنمودهای امام راحل و مقام معظم رهبری است چنین بیان شده است:

### الف) اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی

۱. رشد و تعالی فرهنگ اسلامی انسانی و بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه ایران و جهان؛
۲. استقلال فرهنگی و زوال مظاهر منحط و مبانی نادرست فرهنگهای بیگانه و پیراسته شدن جامعه از آداب و رسوم منحرف و خرافات؛

۳. به کمال رسیدن قوای خلاقه و شایسته وجود آدمی در همه شئون و به فعالیت درآمدن استعدادهای خدا داده و استحصال دفاين عقول و ذخاير وجودی انسان؛
۴. آراسته شدن به فضایل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به مقام انسان متعالی؛
۵. تحقق کامل انقلاب فرهنگی در جهت استقرار ارزشهای مورد نظر اسلام و انقلاب اسلامی در زندگی جمعی و فردی و نگاهی از آنها و استمرار حرکت فرهنگی برای رسیدن به جامعه مطلوب؛
۶. درك مقتضیات و تحولات زمان و نقد و تنقیح دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل انطباق با اصول و ارزشهای اسلامی.

#### ب) اهداف سیاست فرهنگی

۱. تعیین و تدوین اصول راهنما و اولویتهای لازم‌الرعایه در حرکت فرهنگی کشور و رسمیت دادن به آنها، با الهام از آرمانها و اعتقادات، با توجه به ظرفیتهای واقعیتهای و بهره‌گیری از تجربیات داخلی و جهانی و امکانات و ابزارهای مختلف و مناسب؛
۲. ایجاد وحدت رویه و هماهنگی فرهنگی در میان دستگاههای مختلف نظام جمهوری اسلامی و بسیج امکانات، تلاشها و برنامه‌های فرهنگی در جهت پاسخگویی به نیازهای فرهنگی جامعه و هدایت تلاشها و نیازهای موجود؛
۳. تکیه و تأکید بر آرمانها و ارزشهای معنوی و فرهنگ اسلامی و حفظ و ترویج فرهنگ بسیجی و تقویت روحیه ایثار و فداکاری در راه ارزشهای اسلامی با توجه به لزوم درك مقتضیات و تحولات زمان و همچنین تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف و مهیا شدن برای مواجهه صحیح و همه‌جانبه با ضرورتها و تحولات؛
۴. تمهید و تدارك لازم در جهت همسویی و عدم مغایرت طرحها و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و غیر فرهنگی، اما دارای نتایج فرهنگی، با سیاست فرهنگی کشور؛
۵. تسهیل و تقویت امور برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی فرهنگی در عین حمایت از تعدد، تنوع و آزادی فعالیت‌های فرهنگی مردمی، مبادله و مرابطة فرهنگی میان بخشهای دولتی و غیر

## دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ♦ ۱۵

دولتی در جهت افزایش تحرک، جهاد و اجتهاد فرهنگی، ارتقای دانش و آگاهی عمومی و اعتلای روحیه تتبع، تحقیق و ابتکار. (اصول سیاست فرهنگی ج.۱، ۱۳۷۱، ص ۷)

با توجه به اهداف سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اصول سیاستگذاری فرهنگی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، طبق مدعای این شورا، برگرفته از فتاوی و بیانات و کتابهای امام راحل است. بحث فرهنگ و سیاستگذاری فرهنگی اهمیت ویژه‌ای در اندیشه امام دارد. با نگاه به منظومه فکری امام(ره)، مقوله‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ به صورت به هم پیوسته مطرح است، ولی چنین به نظر می‌رسد که بحث فرهنگ و سیاستگذاری فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای در نزد امام(ره) برخوردار است. در آثار امام(ره) می‌توان به مؤلفه‌هایی اشاره کرد که باید در سیاستگذاری‌ها به آن توجه ویژه شود، از جمله این مؤلفه‌ها عبارتند از:

۱. سیاستگذاری فرهنگی و تقویت خود باوری و اعتماد به نفس در جامعه از نظر امام(ره)؛
۲. سیاستگذاری فرهنگی و قانونگرایی از دیدگاه امام(ره)؛
۳. سیاستگذاری فرهنگی و اسلام از دیدگاه امام(ره)؛
۴. سیاستگذاری فرهنگی و نقش مردم از دیدگاه امام(ره)؛
۵. کرامت انسانی و سیاستگذاری فرهنگی از نظر امام(ره).

### اهمیت فرهنگ از نظر امام

امام خمینی(ره) فرهنگ را مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌ها می‌داند: «فرهنگ، مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوانهایی که تربیت می‌شوند به این تربیتهای ناصالح، اینها در آینده فساد ایجاد می‌کنند. فرهنگ استعماری، جوان استعماری تحویل مملکت می‌دهد. فرهنگی که با نقشه دیگران درست می‌شود و اجانب برای ما نقشه کشی می‌کنند و با صورت فرهنگ می‌خواهند تحویل جامعه ما بدهند، این فرهنگ، فرهنگ استعماری و انگلی است و این فرهنگ از همه چیزها، حتی از اسلحه این قلدرها بدتر است. این قلدرها اسلحه‌شان بعد از چند وقت می‌شکند و حالا هم شکسته، اما وقتی فرهنگ فاسد شد، جوانهای ما که زیربنای تأسیس همه چیز هستند، از دست ما می‌روند و انگل بار می‌آیند. غریزه بار می‌آیند.» (به نقل از: فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۰)

حضرت امام در راستای تربیت انسانهای کارآمد، از فرهنگ به عنوان کارخانه آدم‌سازی تعبیر می‌کنند: «پس فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است؛ چنانچه انبیا هم برای همین معنا آمدند که آدم درست کنند. تعلیم، سرمشق همه انبیاست که از طرف خدای تبارک و تعالی به آنها مأموریت داده شده، مأموریت خدا به انبیا همین است که بیایند و آدم درست کنند و آنهایی که به انبیا نزدیک‌ترند، آنها به مقام آدمیت نزدیک‌ترند». (همان، ۲۶۹)

"یاکوب بورکهارت" در مورد اهمیت فرهنگ می‌گوید: «سه قدرت بزرگی که واقعیت هستی بشر و روند تاریخ را تعیین کرده‌اند عبارتند از: دین، دولت و فرهنگ» (به نقل از: پهلوان، ۱۳۷۸، ص ۱۳). به خاطر همین اهمیت است که صاحب‌نظران بزرگی مثل اینگلههارت، هانتینگتون و دیگران، قرن بیست و یکم را قرن برخورد تمدنها پیش‌بینی کرده‌اند. از طرف ایران هم گفتگوی تمدنها پیشنهاد شد که مورد پذیرش جهانیان قرار گرفت. فرهنگ هم می‌تواند یکی از منابع مهم گفتگوی صلح قرار گیرد و هم منبع خشونت و جنگ باشد؛ که این موضوع را به مقاله دیگری وا می‌گذاریم.

فرهنگ واسطه میان تفکر و تمدن است و تا وقتی مدد تفکر منقطع نشده است به تمدن، نشاط و قوت و نظم می‌بخشد. فرهنگ به خودی خود گر چه می‌تواند مایه تفکر باشد، اما همیشه ضامن نظم و نشاط تمدن نیست. آشکار است که ایران قبل از اسلام میراث ادبی چندین هزار ساله داشت و چون با ظهور اسلام، ایمان اسلامی نیز به این مایه ادب و اخلاق مدد رساند، دوره درخشان دیگری در تاریخ ایران بنیاد نهاده شد. در این دوره، مناسبات میان تفکر و استحکام نظم و سامان اجتماعی و سیاسی کاملاً دریافتنی است؛ یعنی با ظهور روشنفکران بزرگ، سیاست و تدبیر نیز جان گرفته و با فروکش کردن شعله تفکر، اختلال و پریشانی در کار کشور و کشورداری پیدا شده است. تفکر، قدرت را در پی خود دارد. یونانیان با هنر و تفکر، قوت و قدرت یافتند و اروپا پس از رنسانس، در راه اقتدار و استیلای بر جهان افتاد. (داوری اردکانی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۶)

با توضیح مختصر فوق در مورد اهمیت فرهنگ، در ادامه بحث به مؤلفه‌هایی از دیدگاه امام (ره) می‌پردازیم که دولتمردان و متفکران فرهنگی باید در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به آنها توجه ویژه نموده و آنها را تبدیل به سیاست‌گذاری کرده و کاربردی کنند.

#### ۱. سیاستگذاری فرهنگی و تقویت خود باوری و اعتماد به نفس در جامعه از نظر امام(ره)

خود باوری و اعتماد به نفس، هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی از شاه کلیدهای پیشرفت و بالندگی است. وقتی کشورهای جهان سوم به خصوص کشورهای اسلامی، با پیشرفت برق‌آسای تمدن غرب مواجه شدند و پیشرفت همه‌جانبه غرب را مشاهده کردند، اعتماد به نفس خود را از دست دادند و در تعامل با غرب، به صورت انفعالی برخورد کردند. خود را در مقابل آنها حقیر و ناتوان تصور می‌کردند و می‌کنند. خود غربی‌ها هم به این ناتوانی به خصوص در کشورهای اسلامی تأکید می‌کردند. این تبلیغات چنان مؤثر بود که حتی دولتمردان ایران هم در رژیم سابق در هیئت دولت و مجلس شورای ملی به آن اعتراف دارند. چنانچه وقتی مسئله ملی شدن صنعت نفت ایران مطرح می‌شود، عده‌ای از دولتمردان به این دلیل با آن مخالفت می‌کنند که ایرانیان نمی‌توانند صنعت نفت را اداره کنند. در مقابل، حضرت امام(ره) بر خلاف این جریان، معتقد به استعداد و توانایی‌های مسلمانان به خصوص مردم ایران بود و عملاً نیز در انقلاب اسلامی آن را به اثبات رساند. در منظومه فکری امام(ره)، باید در سیاستگذاری‌های کلان؛ به ویژه در سیاستگذاری فرهنگی خود باوری و اعتماد به نفس تقویت شود و خود باختگی از بین برود. (امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۲۹-۲۸)

امام(ره) تأکید می‌کنند که برای پیشرفت جامعه باید بر روی تربیت منابع نیروی انسانی به صورت بسیار دقیق، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کرد. امام(ره) دولتمردان را نیز موظف می‌کند که شأن و منزلت متخصصان و صاحب‌نظران را بدانند و از کمک‌های مادی و معنوی در مورد متخصصان جامعه دریغ نوزند. اگر این گفته‌های امام(ره) به یک برنامه منسجم در جامعه تبدیل شود، از خروج نخبگان از کشور به عنوان یکی از مسائل و مشکلات، جلوگیری می‌شود. به قول مرحوم دکتر حسین عظیمی پیشرفت هر کشوری وابسته و منوط به قدردانی از نخبگان جامعه است. عظیمی با تأکید بیشتر در مورد قدردانی از نخبگان معتقد است از هر هزار نفر ممکن است ده نفر به درجه دکتری یا اجتهاد نایل شوند. ممکن است از بین صدها دکتر و مجتهد تنها سه الی پنج نفر تولیدکننده علم و دانش باشند و به اصطلاح، اندیشمند بشوند. اگر جامعه و دولتمردان، زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این نظریه‌پردازان را فراهم نکنند یا

خدای ناکرده خود مانع نظریه‌پردازی شوند، این سه یا پنج نفر متفکر نیست که بلا استفاده مانده و از بین می‌روند، بلکه یک نسل از بین می‌رود. در نتیجه، یک نسل عقب می‌افتد (عظیمی، ۱۳۸۴). حضرت امام (ره) در آثار خویش تأکید فراوانی بر حفظ کرامت و شخصیت افراد جامعه دارند و بالاترین صدمه را صدمه شخصیتی می‌دانند:

«بالاترین صدمه، صدمه شخصیت بوده. آنها کوشش کردند که شخصیت ما را از ما بگیرند و به جای شخصیت ایرانی و اسلامی یک شخصیت وابسته اروپایی شرقی و غربی به جایش بگذارند؛ یعنی تربیت فاسدی که در رژیم سابق بود و به تدریج داشت قوت می‌گرفت، این بود که از همان کودکی شروع کنند به این برنامه که اطفال ما را از همان جا زمینه تبدیلشان را به یک موجود وابسته فراهم کنند تا برود به مرتبه بالا مثل دبیرستان، بعد هم بالاتر از او. در طول این مدت‌ها که ایران مبتلا به این بوده است، این بیماری در او پیدا شده است که ما نمی‌توانیم کار بکنیم، ما همه چیز را باید از خارج بیاوریم و یا استمداد کنیم از آنها». (نقل از: حاضری و علیخانی، ۱۳۷۷، ص ۴۷)

حضرت امام (ره) معتقدند که سیاست‌گذاری‌های فرهنگی رژیم سابق طوری طراحی شده که فرزندان ایران‌زمین از همان ابتدای تعلیم و تربیت به شرق و غرب وابسته باشند؛ تمدن غرب، محور و آرزوی آنها باشد نه تمدن اسلامی و فرهنگ غنی اسلامی. از نقدهای امام راحل به دولت‌های رژیم گذشته این بود که انسانها را وابسته بار می‌آوردند. در حکومت اسلامی به دولتمردان تأکید می‌کردند باید سیاست‌گذاری فرهنگی طوری باشد که انسانها را خلاق، پر توان و مستقل بار بیاورند.

از نظر امام (ره) بالاترین وابستگی، وابستگی اقتصادی و سیاسی نیست، بلکه مهم‌ترین وابستگی‌ها، وابستگی فکری و فرهنگی است که خود زمینه‌ساز وابستگی سیاسی و اقتصادی می‌گردد:

«ما الان در همه چیز به گمان همه یک نحو وابستگی داریم که بالاتر از همه، وابستگی افکار است. افکار جوانهای ما، پیرمردهای ما، تحصیل کرده‌های ما، روشنفکرهای ما، بسیاری از این افکار وابسته به غرب است، وابسته به آمریکا است و لهذا حتی آنهایی که سوء نیت ندارند و خیال می‌کنند می‌خواهند خدمت بکنند به مملکت خودشان، از باب اینکه راه را درست

نمی‌دانند و باورشان آمده است که ما باید همه چیز را از غرب بگیریم، این وابستگی را دارند و این وابستگی سر منشأ همه وابستگی‌هاست که ما داریم. اگر ما وابستگی فرهنگی داشته باشیم به دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست، وابستگی اجتماعی هم هست، سیاسی هم هست، همه اینها هست». (همان، ص ۶۸)

از این وابستگی نمی‌توان رهایی یافت مگر با سیاستگذاری فرهنگی دقیق. ما باید ابتدا به فکر فراهم آوردن شرایط (یک «سیستم تفکر» و «تفکر ساز») و ساختن افراد متفکر، وطن‌دوست و متقی باشیم که بتوانند چاره‌جوی مسائل باشند؛ زیرا پیشرفت یک کشور در همه زمینه‌ها (اقتصادی، نظامی، بهداشت، کشاورزی، اجتماعی و...) به پیشرفت علمی آن کشور بستگی دارد. تا وقتی زمینه پیشرفت علمی یا «زیرساختهای علمی و ساختن افراد متفکر را فراهم نکنیم امیدی به پیشرفت در زمینه‌های دیگر نمی‌توانیم داشت». مرحوم دهخدا در مقاله‌ای تحت عنوان «علم و آدم» در یک بررسی کوتاه علل عقب‌ماندگی ایران را نداشتن دانشمند می‌داند و علت نداشتن دانشمند را چنین بیان می‌کند:

«وکلای دوره اول مجلس ما ابداً در این مسئله اصولی از عالم نظریات یک قدم به عالم عمل پیش نیامدند و علت آن هم... بی‌اطلاعی قسمت غالب از لزوم چنین اقدام اساسی و میل نداشتن دیگران به پیدا شدن علما و دانشمندان در مملکت... بود». (نقل از: رفیع‌پور، ۱۳۸۱، ص ۱۴)

## ۲. سیاستگذاری فرهنگی و قانونگرایی از دیدگاه امام(ره)

در فرهنگ عمومی جامعه، قانون‌گرایی تبدیل به یک ارزش شده است. در طول تاریخ ایران، به خاطر تضاد بین دولت و ملت، مردم بین قانون شرع و قوانین دولتی تمایز می‌گذاشتند و سعی می‌کردند به قوانین اسلام عمل و تا حدودی از مخالفت صریح با آن پرهیز کنند؛ ولی در مقابل قوانین موضوعه حکومتی، سرپیچی از قانون و قانون‌گرایی در بین توده مردم تبدیل به ارزش و هنجار شده بود و تا حدودی هنوز هم ادامه دارد.

با پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل مردمی بودن آن، این تضاد تاریخی بین دولت و ملت کمتر شد. حضرت امام(ره) با فهم عجیبی که از جامعه ایرانی داشتند، در صدد بودند که تفاوتگذاری مردم را بین قوانین اسلام و قوانین حکومتی از بین ببرند. در نتیجه به این مسئله



اساسی در جامعه تأکید می‌کردند که باید همه در مقابل قانون، چه قانون اسلام و چه قانون حکومتی مطیع باشند. چون حکومت، حکومت اسلامی است، همه باید قوانین را رعایت کنند. متفکران اجتماعی و فرهنگی معتقدند برای اینکه جامعه در تعادل باشد، باید به قانون عمل بشود. یکی از عوامل مهم در عقبماندگی جامعه ایرانی، فقدان قانون یا عمل نکردن به آن است، به این خاطر کتابهایی در این زمینه به رشته تحریر در آمد که از جمله آنها کتاب «یک کلمه» است که پیشرفت جامعه را مشروط به قانونگرایی کرده است. در انقلاب مشروطه هم یکی از مفاهیم عمده همین قانونگرایی بود که بعد از انقلاب هم ادامه پیدا کرد. حماسه دوم خرداد هم بیشتر به خاطر شعار قانونگرایی خلق شد. امروز هم یکی از مشکلات اساسی جامعه ما قانون‌گریزی است. قانونگرایی باید نهادینه شود. نهادینه شدن قانون در جامعه مشروط به این است که قانونگرایی تبدیل به ارزش شود. قانونگرایی تبدیل به ارزش نمی‌شود مگر اینکه با ارزشهای اساسی که همان ارزشهای اسلامی است گره بخورد و این اتفاق نمی‌افتد مگر با سیاستگذاری فرهنگی که امام(ره) به آن توجه ویژه داشتند. امام(ره) با تأکید بر اینکه همه باید در مقابل قانون خاضع باشند و در برابر قانون هیچ کس استثنا نشده است، می‌فرمایند:

«در اسلام، قانون حکومت می‌کند. پیغمبر اکرم(ص) هم تابع قانون بود، تابع قانون الهی، نمی‌توانست تخلف بکند». (صحیفه نور، ج ۵، ص ۳۱۰)

امام(ره) با طرح قانون اسلام و استثنا ناپذیر بودن افراد جامعه حتی پیامبر گرامی اسلام(ص)، تکلیف همه را مشخص می‌کنند که همه باید بر اساس قانون عمل کنند. امام(ره) معتقدند اگر همه بر اساس قوانین اسلام عمل کنند دموکراسی واقعی در جامعه شکل می‌گیرد: «حکومت قانون خدا، بهترین شکل از دموکراسی و دموکراسی به معنای واقعی است». (همان، ص ۳۵۳)

حضرت امام(ره) مخالفت با قانون را مخالفت با اسلام می‌دانند؛ این حرف از یک مرجع تقلید و رهبر بزرگی مثل امام خیلی مهم است:

«کسانی که با قانون مخالفت می‌کنند، اینها با اسلام مخالفت می‌کنند». (همان، ص ۴۱۴)

حضرت امام در جای دیگر، همه مسئولان و مردم را موظف به عمل کردن به قانون و تطبیق دادن خود، با قانون می‌کنند:

دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ♦ ۲۱

«همه روی قانون عمل کنند. قانون اساسی را باز کنید و هر کس مرز و حد خودش را تعیین کند.»

در جای دیگر ضمن تأکید بر همین مطلب می‌فرمایند:

«شماها باید خودتان را تطبیق بدهید با قانون، نه قانون (خودش را) با شما تطبیق بدهد... قانون در رأس واقع شده است... باید خودشان را در مقابل قانون تسلیم کنند. آن وقت است که کشور، کشور قانون می‌شود.» (همان، ص ۴۱۵)

امام(ره) در جای دیگر، سرپیچی از قانون را به هر عنوانی دیکتاتوری می‌دانند و آن را محکوم می‌کنند:

«اگر یک جایی عمل به قانون شد و یک گروهی در خیابانها بر ضد این عمل بخواهند عرض‌اندام کنند، این همان معنای دیکتاتوری است که مکرر گفته‌ام که قدم به قدم پیش می‌رود. اگر قانون در یک کشوری عمل نشود کسانی که می‌خواهند قانون را بشکنند اینها دیکتاتورانی هستند که به صورت اسلامی پیش آمده‌اند یا به صورت آزادی و امثال این حرفها... بعد از آنکه قانون، وظیفه را معین کرد، هر کس بخواهد که بر خلاف او عمل بکند، این یک دیکتاتوری است که حالا به صورت مظلومانه پیش آمده است و بعد به صورت قاهرانه پیش خواهد آمد، بعد این کشور را به تباهی خواهد کشید.» (همان، ج ۱۴، ص ۴۱۵)

اگر دست‌اندرکاران فرهنگی این بیانات را در سیاستگذاری فرهنگی به کار گیرند و بر اساس آن عمل کنند و قانونگرایی تبدیل به یک ارزش اجتماعی بشود؛ کشور راه پیشرفت و ترقی را خواهد پیمود؛ چرا که بالندگی و نشاط هر جامعه منوط به نظم و انضباط اجتماعی آن جامعه است.

### ۳. اسلام و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام(ره)

همچنان که پیش از این اشاره شد، از نظر امام(ره) سیاستگذاری‌ها به ویژه سیاستگذاری فرهنگی، باید با سرشت و فطرت اسلامی انسان هماهنگ باشد. سیاستگذاری موفق سیاستگذاری‌ای است که بر اساس مبانی اسلام باشد. چون جامعه و زیرساختهای فرهنگی ایرانیان دینی است، پس باید در سیاستگذاری‌ها به اسلام توجه ویژه شود:

«باید همه چیز اسلامی بشود. اگر همه چیز یک جامعه اسلامی بشود، جامعه‌ای پیدا می‌شود غیر قابل فساد. آسیب دیگر نمی‌بیند آن جامعه و اگر بنا باشد که باز یک جامعه هرج و مرج باشد، آسیب بردار هست. همه چیزش باید سر جای خودش محکم باشد و موازین باید موازین الهی باشد و مملکت یک مملکت اسلامی باشد، قانون اسلام باشد. در اسلام یک چیز حکم می‌کند و آن قانون است. زمان پیغمبر(ص) هم قانون حکم می‌کرد. پیغمبر مجری بود. زمان امیر المؤمنین(ع) هم قانون حکم می‌کرد.»

در منظومه فکری امام(ره)، فرهنگ کامل و انسان‌ساز فقط در درون اسلام وجود دارد. مبنای باید اسلام باشد. تربیت جامعه و مردم، تنها از طریق فرهنگ اسلامی امکان‌پذیر است:

«قضیه تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت فرهنگ صحیح باشد. شما کوشش کنید که فرهنگ را فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید. جوانهایی که در این فرهنگ تربیت می‌شوند همانهایی هستند که مقدرات کشور در دست آنهاست. اگر اینها درست بار بیایند، همه خدمتگزار به مردم، امین به بیت‌المال و همه اینها در تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می‌کند.» (فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۵)

امام(ره) ضمن نقد فرهنگ غربی معتقد است فرهنگ غرب نمی‌تواند فرهنگ انسان‌ساز داشته باشد. تنها مکتب انسان‌ساز، مکتب اسلام است:

«غرب انسان درست نمی‌کند، آن که انسان درست می‌کند آن مکتبهای الهی است. بر خلاف تمدن غرب، مکتبهای الهی می‌خواهند انسان درست کنند که همه در کنار هم آسوده و آرام باشند. مکتبهای انبیا همه‌اش دنبال این معناست که باید این آنجا را بگیرد و آنجا را بگیرد، بزند، بکشد، چه بکند.» (نقل از: فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۵)

حضرت امام(ره) با طرح امتیاز دین اسلام در تربیت انسان، به یک سؤال مقدر هم جواب می‌دهند که اسلام و مکتبهای توحیدی در تربیت انسان فقط به امور معنوی نمی‌پردازند تا از این دنیا غافل شوند. ایشان دنیاگریزی و صوفی‌گرایی را که از تفکرات ضد پیشرفت و توسعه است، تأیید نمی‌کنند، بلکه از نظر امام، در دین اسلام علاوه بر تأکید بر امور معنوی، به مسائل مادی هم توجه عمیق شده است:

«از امتیازات مکتب توحید با تمام مکتبهایی که در عالم هست، این است که در مکتبهای توحید، مردم را تربیت می‌کنند و آنها را از ظلمات خارج می‌کنند و هدایت به جانب نور می‌کنند. تمام مکتبهایی که مکتب غیر توحیدی هستند، مکتبهای مادی هستند. این مکتبهای مادی، مردم را از عالم نور بر می‌گردانند به سوی عالم ظلمت و دعوت می‌کنند. به وسیله مادی‌گری و ماده و از عالم نور منصرف و منحرفشان می‌کنند یا آنها را همان دعوت به ماده می‌کنند و دیگر آن طرفش را کار ندارند... لکن مکتبهای توحیدی که در رأس، مکتب اسلام است، در عین حال که به مادیات توجه و با مادیات سر و کار دارند، لکن مقصد این است که مردم را طوری تربیت کنند که مادیات، حجاب آنها برای معنویات نباشد، مادیات را در خدمت معنویات می‌کشند، در حالی که نسبت به مادیات نظر دارند، نسبت به زندگی دنیا نظر دارند، در عین حال مردم را متوجه به معنویات می‌کنند و از ظلمات ماده نجات می‌دهند.» (همان، ص ۲۷۷)

#### ۴. نقش مردم و سیاستگذاری فرهنگی از نظر امام(ره)

در سیاستگذاری فرهنگی علاوه بر لزوم و ضرورت تأکید بر نظریه‌پردازی‌هایی که در مورد مباحث فرهنگی صورت می‌گیرد، تمام سیاستگذاری‌ها باید در تعامل با مردم جامعه باشد؛ چون اگر یکطرفه سیاستگذاری شود و در تعامل با مردم نباشد، برنامه‌ها و سیاستگذاری‌ها شکست می‌خورند. به این دلیل حضرت امام(ره) در تمام برنامه‌ریزی‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌ها خواستار حضور و مشارکت تعامل مردم و مسئولان بودند. کاملاً واضح و روشن است که حضرت امام(ره) از ابتدای نهضت بر توده مردم تکیه داشتند و هر چه به پایان عمر امام نزدیک‌تر می‌شویم، می‌بینیم تکیه امام در تمام برنامه‌های دولتی بر مشارکت مردم بیشتر می‌شود. حضرت امام(ره) معتقد بودند تمام عرصه‌ها باید با مشارکت مردم اداره شوند. اگر مردم نباشند برنامه‌ها و سیاستگذاری‌ها شکست می‌خورند. از نظر امام(ره) هیچ کس نمی‌تواند بر خلاف نظر ملت حرکت بکند:

«اینجا آرای ملت حکومت می‌کند. اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد و این ارگانها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ یک از ما جایز نیست و

در اندیشه‌ی امام(ره)، مشارکت مردمی در برنامه‌ها و سیاستگذاری‌ها خیلی اساسی است؛ امام تمام برنامه‌ها و سیاستگذاری‌هایی را که مردم در آن نباشند، غیر عملی می‌دانستند؛ در نتیجه به حضور واقعی مردم در برنامه‌ها تأکید می‌فرمودند (همان، ص ۴۸). همچنان که اشاره شد امام(ره) در تمام عرصه‌ها به خصوص عرصه‌های فرهنگی خواستار دخالت مردم و توده‌ی ملت در سیاستگذاری‌ها هستند. امام(ره) عدم نظارت ملت و مردم را بر اجرای صحیح قوانین توسط دولتمردان، موجب تباهی جامعه و حکومت می‌دانند:

«ما اگر نظارت نکنیم؛ یعنی ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس و همه چیز اگر کنار بروند و بسپارند دست اینها و بروند مشغول کارهاشان شوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشد. ما باید ناظر به امور مردم، ما باید، ملت باید ناظر باشد به اموری که در دولت می‌گذرد، اموری که فرض کنید که در مجلس می‌گذرد، نظارت و توجه داشته باشند به اینها». (همان، ص ۱۲۲)

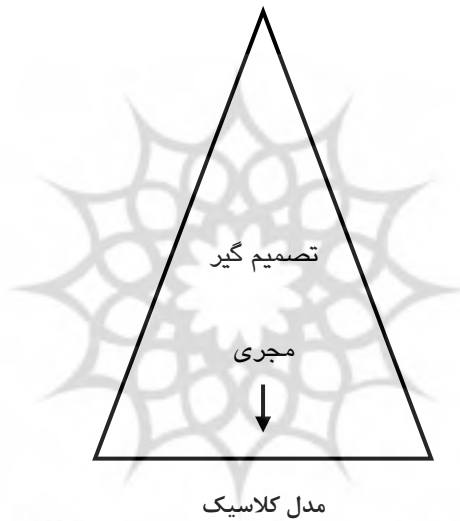
امام(ره) نظارت همگانی را خواستارند. علاوه بر آن، به نقد و انتقاد توسط مردم تأکید فراوان دارند. در اندیشه‌ی ایشان نقد و انتقاد سازنده راهگشاست و سعادت جامعه را در پی دارد؛ جامعه به رشد و بالندگی نمی‌رسد مگر با نقد حکیمانه توسط مردم و نخبگان جامعه. امام(ره) ضمن تفکیک انتقاد از توطئه در نظام اسلامی، به نقد سازنده تأکید دارند ولی توطئه را غیر مجاز می‌دانند:

«انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومی اختلاف نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر به حق باشد موجب هدایت دو جریان می‌شود. هیچ کس نباید خود را مطلق و بری از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است». (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۹)

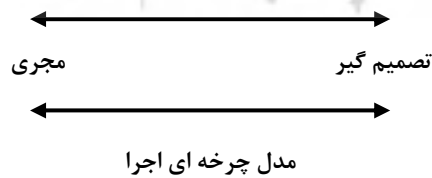
امام در جای دیگر نقد و انتقاد را هدیه الهی می‌دانند که مسئولان باید به آن توجه جدی داشته باشند. در نظر امام، هیچ کس نباید خود را مطلق بداند و عملکردش را خالی از اشکال تلقی کند: «البته نباید ماها گمان کنیم که هر چه می‌گوییم و می‌کنیم، کسی را حق اشکال نیست. اشکال، بلکه تخطئه، یک هدیه الهی است برای رشد انسانها». (همان، ج ۲۰، ص ۴۵۱)

## دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ♦ ۲۵

در اندیشه امام(ره) هر چند نقش دولت در سیاستگذاری‌ها پررنگ است، اما باید دولت در تمام مراحل تصمیم‌سازی و سیاستگذاری و اجرا در تعامل با ملت عمل بکند. اگر چنین نباشد برنامه‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌ها، با شکست مواجه خواهند شد. امام(ره) دولت را خدمتگزار و فرمانبردار مردم می‌داند. می‌توان ادعا کرد که حضرت امام(ره) در این زمینه جزء اندیشمندان مدرن محسوب می‌شوند؛ چون در گذشته، تأثیر یکطرفه بود؛ دولت تصمیم می‌گرفت و مردم باید اطاعت و اجرا می‌کردند:



اما در مدل چرخه‌ای اجرا، مجری و تصمیم‌گیر در تعامل با همدیگرند:



در جوامعی که عقلانیت بر آن حاکم است، چنین چرخه‌ای بین مرحله تصمیم‌گیری و اجرا جریان دارد. (وحید، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴)

طبق نظر امام (ره) تمام سیاستگذاری‌ها به ویژه سیاستگذاری فرهنگی، باید در تعامل با مردم و جامعه صورت بگیرد. در منظومه اندیشه‌ای امام (ره) سیاستگذاری فرهنگی باید بر اساس نیازها و واقعیات جامعه و طبق نظر مردم و با نظارت و مشارکت مردم صورت گیرد. اگر غیر از این مراحل باشد، برنامه‌های فرهنگی ناکام می‌ماند.

#### ۵. کرامت انسانی و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام (ره)

به طور کلی کرامت به پنج معنا و مفهوم به کار رفته است:

۱. از کارهای فرا عادت و معجزه‌آسایی که از اولیای خدا سر می‌زده، به کرامت تعبیر شده است؛

۲. شأن و منزلت داده شده به آن دسته از کسانی که احساسی بالا و والا داشته‌اند یا دست اندر کار شرافتمندانه و بزرگ‌منشانه‌ای بوده‌اند؛ قهرمانان حماسی و میهنی شاهنامه فردوسی، از جان‌گذشتگی‌های شهیدان و آزادگان در این رده جای می‌گیرد؛

۳. منزلت و کرامت، به این دلیل که اشخاص موجوداتی با اراده و مختارند؛

۴. کرامت در وضعیت این جهانی و زمینی فرد؛

۵. بها و ارزش اخلاقی درونی و ذاتی. (رشاد، ۱۳۸۰، ص ۲۴۴)

امام راحل هم کرامت را حاصل و نتیجه کار برای خدا می‌داند:

«ای عزیز! نام نیک را از خداوند بخواه؛ قلوب مردم را از صاحب قلب خواهش کن با تو باشد. تو کار را برای خدا بکن، خداوند علاوه بر کرامتهای اخروی و نعمتهای آن، عالم در همین عالم هم به تو کرامتها می‌کند؛ تو را محبوب می‌نماید؛ موقعیت تو را در قلوب زیاد می‌کند؛ تو را در دو دنیا سربلند می‌فرماید. ولی اگر بتوانی با مجاهده و زحمت قلب خود را از این حب هم به کلی خالص نما. باطن را صفا ده تا عمل از این جهت خالص شود و قلب متوجه حق گردد، روح بی‌آلایش شود، کدورت نفس بر طرف گردد». (نقل از: فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۲)

در یک نگاه کلی به مسئله کرامت انسانی از دیدگاه امام خمینی(ره)، می‌توان ادعا کرد که کرامت انسانی از دو جهت قابل تجزیه و تحلیل است. در حقیقت، کرامت نتیجه دو رویکرد جداگانه است. یک رویکرد، رویکرد فردی به مسئله کرامت انسانی است؛ همچنان که گفته شد از نظر امام(ره) در حوزه فردی، کرامت نتیجه پرهیزگاری، تقوای الهی، مجاهده و تهذیب نفس است. اما رویکرد دوم، اجتماعی است؛ شأن و کرامت انسان باید در جامعه حفظ شود، که در این امر دولتمردان نقش اساسی دارند. از دیدگاه امام(ره)، دولت در تمام سیاستگذاری‌ها موظف به توجه ویژه به حفظ حرمت انسانها و کرامت آنهاست؛ به خصوص در عرصه‌های فرهنگی که در سیاستگذاری فرهنگی باید چنان باشد که انسانها کریم و با کرامت تربیت شوند و حفظ حرمت انسانها تبدیل به یک ارزش پایدار در جامعه گردد. از نظر امام(ره) حرمت انسانها در جامعه حفظ نمی‌شود مگر با چند عامل اساسی که در منظومه فکری امام(ره)، خیلی مهم است و به شرح زیر مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرد.

#### الف) تشکیل حکومت اسلامی و کرامت انسانی

در اندیشه امام(ره) کرامت انسان در جامعه حفظ نمی‌شود مگر با تشکیل حکومت اسلامی؛ چون فقط در سایه حکومت اسلامی است که کرامت انسانی حفظ می‌شود. امام(ره) در آثار مختلف خویش به این مطلب تأکید کرده‌اند؛ در پیامی در دوازده فروردین ۱۳۵۸، ضمن تبریک به ملت ایران به خاطر انتخاب نظام جمهوری اسلامی ایران توسط مردم می‌نویسند:

«باران رحمت قرآن و سنت بر همه کس به یکسان می‌بارد. مبارک باد شما را چنین حکومتی که در آن اختلاف نژاد و سیاه و سفید و ترک و فارس و لر و کرد و بلوچ مطرح نیست، همه برادر و برابرند! فقط و فقط کرامت در پناه تقوا و برتری و به اخلاق فاضله و اعمال صالحه است.» (صحیفه نور، ج ۶؛ ص ۴۵۴)

امام(ره) در پیام خود، تشکیل حکومت اسلامی توسط مردم را عمل صالح معرفی می‌کنند که در سایه آن، انسان به کمال مطلوب نایل می‌شود و اینکه، کرامت انسان تنها در حمایت دولت صالحه است که حفظ می‌شود. ایشان در وصیت‌نامه الهی سیاسی خویش تأکید فراوان بر این دارند که انسان به واقعیت و کمال عالی خود نمی‌رسد مگر با تشکیل حکومت اسلامی:



«اسلام و حکومت اسلامی پدیده‌ی الهی است که با به کار بستن آن سعادت خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن را دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسانها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است برخلاف مکتبهای غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فرو گذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است.» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۱۱)

حضرت امام(ره) ضمن تأکید بر حکومت پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع)، سعادت و خوشبختی و پیشرفت جامعه را در گرو تشکیل حکومت می‌دانند. ایشان ضمن مقایسه حکومت حضرت امیر(ع) و استانداران آن حضرت با حکومت محمدرضا پهلوی، دولتمردان در حکومت حضرت امیر(ع) را افرادی خدمتگزار و دارای کرامت نفس معرفی می‌کنند که نتیجه چنین حکومتی تربیت انسانهای متعالی می‌باشد:

«خدمتگزار هستید؛ اسلام حکومت به آن معنا ندارد. اسلام خدمتگزار دارد. منتها قوای انتظامی هم دارد برای سرکوبی آنهایی [که] می‌خواهند خیانت بکنند، و الا نه این است که اگر خیانتکار نباشد، دیگر چیزی نمی‌خواهند بکنند. آنها نمی‌خواهند که حکومت کنند به مردم و فخر فروشی کنند به مردم و مردم را از خودشان بترسانند. شما خیال می‌کنید آن طور که محمدرضا در خیابانها می‌آمد، حضرت امیر(ع) هم با اینکه ده مقابل او سعه مملکتش بود، در خیابانها آن طوری، در کوچه و بازار آن طور [می‌آمد؟] خوب در کوچه و بازار مثل یک آدمی می‌آمد که نمی‌شناختندش بعضی‌ها. مالک اشتر که یکی از سردارهای بزرگ اسلام بود، خیال می‌کنید که مثل یکی از این درجه‌دارهای زمان طاغوت بود؟ نه، این تو مردم می‌آمد نمی‌شناختندش. آن روز یک کسی شناخت و به او فحش داد و بعد هم ببینید کرامت او را، رفت مسجد به او دعا کرد! این اخلاق را، این تاریخ اسلام را باید مطالعه کرد و خصوصاً حکومتهایی که در اسلام بوده است باید مطالعه کرد و از آن پند گرفت.» (۱)

بنابر این از دیدگاه امام(ره)، کرامت انسان در جامعه حفظ نمی‌شود مگر با تشکیل

حکومت اسلامی. در نظر ایشان از اصول پایدار حفظ حرمت و کرامت انسان، ایجاد حکومت است. اما پس از تشکیل حکومت نیز این حکومت باید در سیاستگذاری‌های فرهنگی، ارج نهادن به شخصیت انسان را تبدیل به یک ارزش و نماد در جامعه کند. یکی از مکانیزم‌هایی که دولت برای ارج‌گذاری به مقام انسان‌های جامعه باید انجام دهد مشورت با مردم در تمام کارهای حکومتی است.

#### ب) مشورت با مردم در حوزه عمومی جهت حفظ کرامت انسانها

مشورت با مردم در شئون عمومی و مسائل اجتماعی موجب می‌شود که مردم احساس شخصیت کنند و در عرصه‌های اجتماعی به صورت فعال وارد شوند. مشورت با مردم در جامعه نشاط اجتماعی و امید به آینده ایجاد می‌کند. یکی از مکانیزم‌های حفظ حرمت و کرامت انسانها، مشورت با مردم و دخالت دادن آنها در سرنوشت خویش است. نص قرآن کریم هم به آن تأکید کرده و حتی آن را واجب دانسته است. بعضی معتقدند بدون مشورت با مردم، عملکرد دولتمردان مشروعیت ندارد؛ چون بر خلاف تأکید قرآنی عمل شده است. مبدأ شورا برای تصمیم‌گیری در شئون عمومی، باید برای عامه مسلمین - برای شیعی امامی در زمان غیبت امام معصوم(ع) و برای سنیان از زمان رحلت رسول‌الله (ص) - در جامعه سیاسی از مهم‌ترین اصول قانون اساسی باشد. به موجب ادله اصل شورا که در کتاب و سنت آمده است، حکومت سیاسی هیچ حاکم غیر معصوم مشروعیت ندارد و هیچ نوع تصرف در امور عامه مسلمین مشروع نیست مگر اینکه متکی بر اصل شورا باشد. (شمس‌الدین، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰)

دو آیه قرآن کریم که مشورت در امور عامه را مورد تأکید قرار داده‌اند عبارتند از:

۱. آیه شریفه «و امرهم شوری بینهم» (شوری، ۳۷) که بر وجوب شورا برای امت در اداره امور عامه دلالت دارد. این آیه در مقام توصیف مؤمنان نیامده است، بلکه در مقام بیان حکم شرعی، وضعی و تنظیمی نازل شده است که باید مسلمانان آن را در زندگانی عمومی خویش پیاده کنند تا اسلام و ایمانشان کامل شود.

۲. آیه شریفه «و شاورهم فی الامر» (آل عمران، ۱۵۹). این آیه پس از شکست مسلمانان در غزوة احد نازل شد. حاصل آرای شورا آن بود که با مشرکان در خارج از شهر مدینه رو به رو شوند

و رأی دوم این بود که مردم در شهر بمانند و از آن دفاع کنند. رأی دوم را پیامبر(ص) و بعضی از اصحاب دادند. با اینکه در پایان جنگ خطای نظر شورا از جنبه نظامی آشکار شد و صحت نظر مقابل را تأیید کرد، با وجود این، صریح آیه شریفه، پیامبر(ص) را بر پیروی از نظر شورا ملزم می‌کند. تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان، موارد بسیاری از مشورت‌های رسول الله(ص) را ثبت کرده‌اند.

امام خمینی(ره) هم در تمام مسائل مهم سیاسی و اجتماعی کشور، نظر مردم را اصل می‌دانستند. در تمام مراحل انقلاب اعم از انتخاب شکل حکومت در ایران، تصویب قانون اساسی و انتخاب ارکان و مسئولان نظام، همه باید مورد تأیید مردم باشند. حتی امام(ره) در بعضی از امور سیاسی و بین‌المللی که به صورت عادی بر عهده دولتمردان است و عرف نیست که مردم مستقیماً نظر خود را مطرح کنند، در این مواقع هم طبق نظر مردم عمل می‌کردند. امام(ره) در جواب نامه پاپ برای آزادی گروگانهای آمریکایی تصریح دارند که نمی‌توانند نظر خودشان را به مردم تحمیل کنند. هرچه مردم در این مورد تصمیم بگیرند، امام خود را تابع تصمیمات مردم می‌داند:

«آقای پاپ! این را بدانید که مسئله، مسئله‌ای نیست که من بتوانم بالشخصه حل کنم. ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم، ملت ما هر طوری رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم.» (صحیفه‌نور، ج ۱۱، ص ۳۴)

پس یکی از مکانیزمهای حفظ کرامت انسان از دیدگاه امام(ره)، مشورت با مردم در حوزه عمومی است. حضرت امام در مورد کرامت انسان از مفاهیم دیگری هم به جای کرامت انسانی استفاده کرده است که حفظ حرمت و حریم شخصیت انسانها در جامعه و نظام بین‌الملل خیلی پررنگ است. از جمله کلمات مترادف با کرامت که امام(ره) از آنها استفاده کرده «شرافت» است. حضرت امام(ره) معتقدند شرافت و شخصیت انسان باید حفظ بشود و لو با نان جو:

«ما اگر سفره نان جوین داشته باشیم بهتر است تا در پارکهای بزرگ زندگی کنیم، ولی از آنجا دستمان به طرف دیگران دراز باشد. شرافت این را اقتضا می‌کند.» (نقل از: حاضری و علیخانی،

اما در جای دیگر می‌فرمایند پیشرفتهای منهای شرافت را جامعه و ملت ایران نمی‌خواهند. پس حفظ شخصیت انسان در جامعه و جهان برای امام(ره) در اولویت اول قرار دارد:

«ما مسلمانیم و می‌خواهیم زندگی کنیم. ما می‌خواهیم زندگی فقیرانه داشته باشیم ولی آزاد و مستقل باشیم. ما این پیشرفت و تمدنی که دستمان پیش اجانب دراز باشد را نمی‌خواهیم، ما تمدنی را می‌خواهیم که بر پایه شرافت و انسانیت استوار باشد و بر این پایه، صلح را حفظ نماید.» (همان، ص ۱۳۶)

از کلمات امام(ره) استنباط می‌شود که پیشرفت و توسعه همه‌جانبه در جامعه، زمانی اتفاق می‌افتد که به توسعه انسانی برسیم. اگر انسان متعالی شد، آن وقت به دنبال آن، جامعه پیشرفت می‌کند. در سیاستگذاری‌ها به خصوص سیاستگذاری فرهنگی، باید توجه شود که انسان به کمال خود برسد و آنگاه جامعه، پیشرفت اقتصادی داشته باشد ولی مردم جامعه در بین ملتها ذلیل و خوار باشند، از نظر امام مردود است:

«امیدوارم ملت ایران به همان اندازه که تا به حال خوب آمده است، از این پس هم بیاید. امیدوارم کل ایران با هم باشند و عزت خودشان را حفظ کنند. ما قبلاً وابستگی ذلت‌باری داشتیم که محمدرضا قبول کرده بود و ما در مقابل آمریکا یک عده ذلیل بودیم، ولی ایران این ذلت را شکست و عزت پیدا کرد. شکم و نان و آب، میزان نیست. عمده، شرافت انسانی است و شرافت به این نیست که انسان دستش را روی سینه بگذارد تا چند شاهی به او بدهند، بلکه شرافت انسانی به این است که در مقابل زور بایستد.» (همان، ص ۱۳۸)

پس یکی از مکانیزمهای حفظ کرامت انسان از دیدگاه امام(ره)، مشورت با مردم در حوزه عمومی و کلان جامعه است؛ چون در مورد نظر امام در مورد تعامل دولت با مردم در بند دیگری بحث شده، به همین اکتفا می‌شود.

### ج) حفظ حوزه خصوصی و کرامت انسانی از نظر امام(ره)

یکی از معیارهایی که در حفظ حرمت و کرامت انسان از نظر امام(ره) مطرح است، حفظ حوزه خصوصی انسانهاست. در مورد حوزه خصوصی و حوزه عمومی بحثهای مفصلی در بین متفکران اسلامی و غرب صورت گرفته است؛ اما در این مقاله فقط نظر امام(ره) را در مورد

حفظ حوزه خصوصی دنبال می‌کنیم. امام در حفظ حرمت و شأن و منزلت فردی و اجتماعی افراد در جامعه خیلی حساس بودند. به همین دلیل، در جاهای مختلف بر امنیت حوزه خصوصی افراد جامعه و حفظ کرامت آنها تأکید کرده‌اند، که به فرازهایی از فرمان هشت ماده‌ای ایشان اشاره می‌شود.

امام در «فرمان هشت ماده‌ای» که در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۶۱ صادر فرمودند، ضمن تأکید بر استقلال و حرمت و صیانت حوزه عمومی، توصیه می‌کنند که دولت و قوه قضاییه، پاسدار و پشتیبان آرامش و امنیت خاطر مردم در زندگی خصوصی باشند. ایشان در فرازهایی از این فرمان به ویژه در بندهای ۷-۴ به تعیین حوزه دخالت کارگزاران و دولت اسلامی در زندگی خصوصی مردم پرداخته و آشکارا هر گونه دخالت غیر قانونی را در حوزه خصوصی ممنوع اعلام کرده‌اند:

«هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعی باید باشد، توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است. هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی. هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه، تعقیب و مراقبت نماید یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد یا به دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم (و) گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی‌ها از آنها موجب حد شرعی می‌باشد. آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروه‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در

### دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ♦ ۳۳

خانه‌های امن و تیمی برای براندازی جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بیگناه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الارض اجتماع می‌کنند... و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند؛ چرا که اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید». (صحیفه نور (۱۳۷۸)، ج ۱۷: ص ۱۴۳-۱۴۰)

عبارات فوق تمام اندیشه حضرت امام(ره) را در محدود کردن دامنه قدرت دولت به حوزه عمومی و عدم تعدی به حوزه خصوصی، جز در شرایط احراز مصلحت عامه جامعه نشان می‌دهد. امام خمینی(ره) در حکم مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ خطاب به ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری، نکات دیگری را در فرمان هشت ماده‌ای مطرح می‌فرماید. در بند ۵ این حکم آمده است: «تجسس از احوال اشخاص در غیر مفسدین و گروه‌های خرابکار مطلقاً ممنوع است... و تجسس کننده معصیت کار است». (همان، ص ۲۲۱)

البته اصول ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۲، ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی نیز ناظر به نکات و ممنوعیت‌های فوق است. بر اساس اصل ۲۲ قانون اساسی، حیثیت، جان و مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. اصل ۲۳ اعلام می‌کند که تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. همچنین اصل ۲۵ تأکید می‌کند که بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون. اصول دیگر پیش گفته نیز هر کدام به گونه‌ای بر مصونیت و احترام حوزه خصوصی در اندیشه‌ها و سیره امام خمینی(ره) و قانون اساسی جمهوری اسلامی دلالت دارند. موارد گفته شده به نوعی تأکید بر حفظ کرامت انسانی در منظومه فکری امام(ره) می‌باشند. (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۳)

## نتیجه گیری

در مقاله حاضر، چرایی و چگونگی نقش دولت در سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)، دغدغه پژوهش را تشکیل می‌داد. از نظر امام (ره) دولت علاوه بر تأمین کالا و خدمات عمومی باید به سیاستگذاری فرهنگی نیز بپردازد. اما این حضور پر رنگ دولت در امور فرهنگی به معنای نفی مشارکت مردم در این امور نیست، بلکه امام (ره) ضمن تأکید بر نقش دولت در سیاستگذاری فرهنگی، موفقیت این سیاستگذاری‌ها را مشروط به هماهنگ بودن آنها با مبانی اعتقادی و مذهبی مردم می‌دانند. از نظر امام (ره) هیچ خط‌مشی‌گذاری موفق نمی‌گردد مگر با توافق و مشارکت مردم و اینکه طبق نیازهای اساسی مردم صورت بگیرد.

حضرت امام (ره) فرهنگ را مهم‌تر از اقتصاد و سیاست تلقی می‌کنند و به اصطلاح، پایه توسعه اقتصادی و سیاسی در اندیشه امام (ره) بر توسعه فرهنگی استوار است.

پس از بررسی مبانی و اهداف سیاستگذاری فرهنگی از منظر امام خمینی (ره) به این نتیجه رسیدیم که از نظر ایشان، مؤلفه‌های مهمی وجود دارد که در سیاستگذاری فرهنگی باید توسط دولتمردان مورد توجه قرار گیرند. مؤلفه‌هایی چون: خودباوری، اعتماد به نفس، قانونگرایی، مشورت با مردم یا مردم‌گرایی، توجه به مبانی اسلامی و کرامت انسانی، محورهای مورد تأکید امام (ره) در سیاستگذاری فرهنگی هستند که در مقاله حاضر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

از جمله مؤلفه‌های مهم در اندیشه امام (ره) حفظ کرامت انسان در جامعه است که مکانیزم‌های آن را می‌توان به شرح ذیل مطرح کرد:

الف) لزوم و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی به عنوان مقدمه؛

ب) اجرای قوانین الهی در جامعه؛ زیرا سعادت و شکوفایی انسان در پرتو اجرای قوانین

اسلامی در جامعه است.

ج) مشورت و تعامل دولت با مردم در حوزه عمومی و مسائل مهم جامعه؛

د) حفظ حوزه خصوصی انسانها؛

ه) گسترش آموزش همگانی و بالا بردن علم و آگاهی مردم جامعه توسط دولت؛ چون

گسترش علم و آگاهی در جامعه موجب پیشرفت و توسعه کشور و جهل، مایه تمام بدبختی‌هاست. کرامت انسان حفظ نمی‌شود مگر با خودآگاهی افراد جامعه.

## منابع

- قرآن کریم.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۵)؛ **سیاستگذاری عمومی**، جزوه درسی دوره دکترای علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم (ع).
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۱)؛ **سیاستگذاری فرهنگی**، تهران، کتاب آشنا.
- **اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**، مصوب ۱۳۷۱، انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی
- افروغ، عماد (۱۳۷۹)؛ **فرهنگ و حقوق فرهنگی**، تهران، مؤسسه فرهنگ و دانش.
- افروغ، عماد (۱۳۸۱)؛ **رسانای دیجیتال**، تهران، کتاب آشنا.
- امام خمینی(ره) (۱۳۶۹)، **وصیت نامه الهی و سیاسی رهبر کبیر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات بانک تجارت.
- امام خمینی(ره) (۱۳۷۸)؛ **صحیفه نور**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام(ره)
- امام خمینی(ره)، **سید روح الله (۱۳۲۲)؛ کشف الاسرار**، قم، نشر فلق.
- امام خمینی(ره)، **سید روح الله (۱۳۷۵)؛ ولایت فقیه**، تهران، انتشارات امیر کبیر با همکاری نمایشگاه کتاب قم.
- اندرسون، جمیز (۱۳۸۵)؛ **مقدمه ای بر سیاستگذاری عمومی**، ترجمه کیومرث اشتریان، ص ۱۲، **فصلنامه فرهنگ و اندیشه**، سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)؛ **نظریه های فرهنگی در قرن بیستم**، تهران، مؤسسه فرهنگی آینده پویان.
- پایا، علی (۱۳۸۳)؛ **فناوری های مولد اندیشه موتور محرکی برای رشد در قرن بیست و یکم**، تهران، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی معاونت فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸)؛ **فرهنگ شناسی**، تهران، انتشارات پیام امروز،
- تدوین: حاضری علی محمد و علیخانی علی اکبر (۱۳۷۷)؛ **خودباختگی و خودباوری از دیدگاه امام خمینی**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- تدوین: مجتبی فراهانی (۱۳۷۸)؛ **تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی**، (تبیان - دفتر هجدهم)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ دوم.



- تدوین: مجتبی‌فرهانی (۱۳۷۹)؛ جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی (تبیان آثار موضوعی دفتر ۳۶)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- تدوین: محمدرضا طالبان و عباس پورجانی (۱۳۸۱)؛ اقشار اجتماعی از دیدگاه امام خمینی، (تبیان، آثار موضوعی دفتر سی و هفتم)، تهران، ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹)؛ کرامت در قرآن، قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چ سوم.
- حداد، وادی و دمسکی، تری (۱۳۷۹)؛ فرایند برنامه ریزی سیاست گذاری در آموزش و پرورش، ترجمه غلامرضا گرائی نژاد و رخساره کاظم، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مرکز مدارک علمی و انتشارات.
- حزب جمهوری اسلامی (۱۳۶۰)؛ انقلاب فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)، مرکز پخش دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی.
- داوری اردکانی و رضا؛ فرهنگ (۱۳۷۸)؛ خرد و آزادی، تهران، چاپ خجسته.
- دورینگ، سایمن (۱۳۷۸)؛ مطالعات فرهنگی، ترجمه حمیرا شیرزاده، تهران، مؤسسه فرهنگی آینده پویان.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶)؛ توسعه و تضاد، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۱)؛ موانع علمی ایران و راه حل های آن، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- شعاع حسنی، فرامرز و داستانی، علی (۱۳۸۴)؛ دغدغه ها و نگرانیهای امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- شفیعی، محمود (۱۳۸۴)؛ تعامل فرهنگ و سیاست در ج.ا.ا، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).
- شمس الدین، محمد مهدی (۱۳۸۰)؛ جامعه سیاسی اسلامی مبانی فقهی و تاریخی، ترجمه دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۷۳)؛ اندیشه امام خمینی (ره) درباره تغییر جامعه، تهران، مؤسسه انتشاراتی سوره.
- عظیمی، حسین (۱۳۸۴)؛ کارکردهای نظام سیاسی در فرایند توسعه در اندیشه حسین عظیمی آرنای، تهران، ناشر، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مرکز مدارک علمی.

دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ♦ ۳۷

- علی اکبر رشاد(۱۳۸۰)؛ **دانشنامه امام علی(ع)**، جلد چهارم: **اخلاق و سلوک**، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فکوهی، ناصر(۱۳۷۹)؛ **از فرهنگ تا توسعه**، تهران، انتشارات فردوس.
- فیرحی، داود(۱۳۸۲)؛ **نظام سیاسی و دولت در اسلام**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت)، انتشارات دانشگاه تهران و دانشگاه باقر العلوم(ع).
- فیرحی، داود، «مفهوم انسان در اندیشه امام خمینی»، در: **وب سایت داود فیرحی** [WWW.Feirahi.ir](http://WWW.Feirahi.ir)
- قاضی زاده، کاظم(۱۳۷۷)؛ **اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی**، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**(۱۳۷۷)؛ اداره کل قوانین ومقررات کشور، چاپ پنجم.
- قرشی، سید علی اکبر(۱۳۷۸)؛ **قاموس قرآن**، ج(۵ - ۶ - ۷)، قم، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم.
- کاظمی، سید علی اصغر(۱۳۷۹)؛ **مدیریت سیاسی و خط مشی دولتی**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- لک زایی، شریف(۱۳۸۳)؛ **نظریه های نهاد در علوم سیاسی(نهاد گرایی جدید)**، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، **دانشگاه باقر العلوم(ع)**، ص ۳۲۶، سال هفتم، شماره بیست و هشتم، زمستان.
- لک زایی، نجف(۱۳۸۵)؛ **جزوه درس فرهنگ و سیاست**، دوره دکترای علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم(ع).
- **مؤلفه های اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)**، به اهتمام گروه تحقیقات سیاسی اسلامی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)(۱۳۷۹)، تهران، ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مارش، دیوید و استوکر، جری(۱۳۷۸)؛ **روش و نظریه در علوم سیاسی**، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ماژرزاک، آن(۱۳۷۹)؛ **روش های سیاست پژوهی**، ترجمه هوشنگ نایی، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- **مجموعه مقالات یازدهمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(۱۳۸۴)**، تهران، نشر عروج.

- مک لین، ایان (۱۳۸۱)؛ فرهنگ علوم سیاسی اکسفورد، ترجمه حمید احمدی، تهران، نشر میزان.
- مواتی زهرا (۱۳۸۰)؛ مجموعه مقالات دهمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی (ره) در اصفهان، تهران، نشر عروج.
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۵)؛ اندیشه‌های اجتماعی امام خمینی (س)، ناشر موسسه چاپ و نشر عروج.
- نرم افزار روح الله (۱۳۸۵)؛ که توسط محققان مرکز نشر و آثار امام خمینی تهیه شده و توسط مرکز پخش موسسه چاپ و نشر عروج توزیع شده است.
- نهج البلاغه ۱۳۸۰، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ بیست و یکم.
- واعظی، احمد (۱۳۸۴)؛ انسان از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات سمت، چاپ ششم.
- وحید، مجید (۱۳۸۲)؛ سیاستگذاری و فرهنگ در ایران امروز، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.
- وحید، مجید (۱۳۸۳)؛ سیاستگذاری عمومی، تهران، نشر میزان.
- هانتینگتون، ساموئل و هریسون، لارنس (۱۳۸۳)؛ اهمیت، فرهنگ، ترجمه گروه ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران.